

مدل ساختاری تفسیری مشارکت حلقه‌های میانی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

سید هاشم شکر خدایی^۱، وحید چناری^{۲*}، عزت الله کیانی^۳، احمدعلی حسابی^۴

چکیده:

زمینه و هدف: تحقیق حاضر مدل ساختاری تفسیری مشارکت حلقه‌های میانی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

روش‌شناسی: این پژوهش آمیخته بوده که از روش‌های کیفی و کمی استفاده می‌نماید. به کمک روش فراترکیب از ۳۷۶ مقاله تعداد ۳۲ مقاله به روش سندلوسکی و باروسو انتخاب شده است، همچنین از بین اساتید دانشگاهی و مسئولین و معاونین فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان به تعداد ۲۰ نفر انتخاب شد، که گروه کانونی تحقیق را تشکیل دادند و به روش هدفمند و در دسترس، تعداد ۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در بخش کمی جامعه آماری عبارت است از خبرگان به تعداد ۳۶ نفر که به روش هدفمند تعداد ۱۸ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ابعاد مدل عبارتند از ۶ بعد که به کمک سطح بندی در مدل سازی ساختاری تفسیری ۴ سطح بدست آمده است و به کمک نرم‌افزار میک‌مک، ساختار اصلی مدل طراحی شده است.

واژگان کلیدی: خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، مشارکت حلقه‌های میانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

^۱ . دانشجوی دکتری تخصصی گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

^{۲*} . استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول)
vahid.chenari@iaau.ac.ir

^۳ . استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

^۴ . استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

مقدمه

از آنجایی که در صحبت‌های خرداد سال ۹۸ رهبر جمهوری اسلامی با دانشجویان از حلقه‌های میانی نامبرده می‌شود و از آن بعنوان راه برون رفت از مشکلات کشور نام برد. حلقه‌های میانی به عنوان یک راهکار عملی برای وارد کردن جوانان در عرصه‌ی مدیریت کشور مطرح شده است، در واقع طی یک فرایند و در یک بازه‌ی میان‌مدت باید مبادرت به کادر سازی شود و این رسالت حلقه‌های میانی است. از آنجایی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بعنوان اصلی‌ترین متولی بخش فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد این تحقیق را در این حوزه انجام دادیم. خط‌مشی‌گذاری مدیریت فرهنگی یکی از اقداماتی است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران در حال رشد است، وجود این نوع سیاست‌گذاری موجب می‌گردد تا به بخش قابل ملاحظه‌ای از نیازهای بخش فرهنگ عمومی پاسخ داده شود. از طرفی به نظر می‌رسد که فاصله بین چالش‌های موجود بخش مدیریت فرهنگ عمومی و آموزش فرهنگی در ایران افزایش می‌یابد؛ بنابراین، لازم است تا به یافتن راه‌حل‌های خاص در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی توجه شود تا اطمینان حاصل گردد این امر از طریق مدیریت امور فرهنگی قابل دستیابی است.

یکی از حوزه‌های خط‌مشی‌گذاری، فرهنگ است. اما به دلیل پیچیدگی موضوع فرهنگ و وسعت قلمرو تحقیقات در زمینه شناخت‌شناسی فرهنگ و از همه مهم تر عدم وجود ساختار، فرآیند خط‌مشی‌گذاری که خود امری نیازمند دقت و تمرکز است، در این زمینه بسیار پیچیده می‌شود؛ بنابراین خط‌مشی‌گذاری فرهنگی نسبت به سایر زمینه‌ها حائز اهمیت و دقت فراوانی از سوی خط‌مشی‌گذاران می‌باشد (الوانی و همکاران، ۱۳۹۳). که سرعت تحولات و پیچیدگی شرایط اجتماعی و فرهنگی جوامع، ضرورت خط‌مشی‌گذاری در سطح عمومی و سازمان‌ها را بیش از گذشته آشکار می‌سازد، در این میان توجه و اجرای فرایند خط‌مشی‌ها بسیار تعیین‌کننده است. تحقیقات نشان می‌دهد علی‌رغم تدوین خط‌مشی‌های مناسب، به

دلایل عدیده، از جمله اجرای ناقص و یا نامناسب خط‌مشی‌ها نتایج به دست آمده مطلوب نیست و خط‌مشی‌ها و تصمیمات مهم به ناکامی و شکست منجر می‌شود به گونه‌ایکه این نابسامانی در برنامه‌های فرهنگی که از پیچیدگی مضاعفی برخوردار است بیش از دیگر حوزه‌های برنامه‌ریزی به چشم می‌خورد. زندگی انسان امروز از هر سو با خط‌مشی‌های عمومی پیوند خورده است و هر لحظه از زندگی او به گونه‌ای با خط‌مشی‌های عمومی ارتباط دارد (کاظمی، ۱۴۰۲). در زمینه خط‌مشی‌های فرهنگی در دهه‌های گذشته و حال میتوان چیزی بیان کرد که با وجود اختلاف‌های موجود در دیدگاه نظام‌های سیاسی و اجتماعی با مسئولیت‌های مقام عمومی، تدوین و اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی امروزه بوسیله کلیه دولتهای عضو یونسکو به رسمیت شناخته شده است. دوره اول خط‌مشی‌های فرهنگی مربوط به سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ بوده است که در آن بر اساس فرموده‌های امام راحل فرهنگ به عنوان پایه و اساس تمامی تغییرات اجتماعی در نظر گرفته شد. در دوره دوم یعنی سال ۱۳۶۸ به بعد با توسعه برنامه پنج ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آغاز می‌شود خط‌مشی فرهنگی در نگاه بین‌المللی به معنای تعیین خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در نگاه بین‌المللی، به معنای تعیین خط‌مشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی، یعنی همکاری‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی، میراث فرهنگی و هویت فرهنگی است که یونسکو نخستین بار با ارائه مفهوم توسعه فرهنگی آن را مطرح کرد. (حسینی؛ ۱۳۷۹) همچنین سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با عنوان اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۱ تهیه و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. سپس در سال ۱۳۷۳ در قالب برنامه‌های اول تا ششم توسعه در قسمت‌های مرتبط با حوزه فرهنگ اهداف کمی و کیفی در نظر گرفته شد این فرایند در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۱ در دو سند مهندسی فرهنگی کشور و سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها توسط مقام معظم رهبری ارایه شد. با گذشت چهار دهه از انقلاب و با وجود شعارها، آرمان‌ها و مطالبات گسترده‌ی

فرهنگی و نیز با وجود اهمیت بسیار زیاد فرهنگ، آن چه که امروزه به چشم می‌خورد، وجود معضلات جدی در نظام فرهنگی و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی کشور است که منجر به کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی در طح جامعه شده و فرهنگ عمومی جامعه نیز خود گواه این مطلب است. ارزشیابی فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای هویت فرهنگی شناخته می‌شود، به الگوی بومی مبتنی بر فرهنگ دینی جامعه ایرانی نیاز دارد؛ زیرا انتقال الگوهای غیر بومی ارزشیابی خط‌مشی‌های فرهنگی، نمی‌تواند در این عرصه راهگشا باشد. این پژوهش به دنبال آن است که شاخص‌های مطلوبیت را برای ارزشیابی بومی در هر مرحله از فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران شناسایی و تدوین کند.

جریان شناسی مشارکت حلقه‌های میانی آنقدر در بیانیه گام دوم انقلاب مهم و قابل تامل بوده است که مقام معظم رهبری در بیانات خود علاوه بر تبیین گام دوم انقلاب به مشارکت حلقه‌های میانی مبنی بر شناخت از حلقه‌های میانی، جهت‌گیری، عامل امیدبخش بودن و بیان راهکارهای عملی در خط‌مشی‌های فرهنگی اصرار نموده و بیان نمودند که «مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکلهای دانشجویی از این قبیل‌اند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیل‌اند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است؛ یعنی زمام‌کار دست کسانی است که فعالیت کنند.» (مقام معظم رهبری، دیدار با دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱) با توجه به این فرمایشات، به نظر می‌رسد که بدنه‌ی اصلی این حلقه‌های میانی را جوانان حاضر در میدان و فعالان هر عرصه تشکیل می‌دهند. اگر چه لااقل یک نماینده از نهاد دولتی مرتبط با هر عرصه نیز در حلقه‌های میانی باید حضور داشته باشد. اما این حضور نباید استقلال «کارگروه‌ها» و «کنش‌گران اجتماعی» را خراب کرده و «مردمی» بودن حلقه‌های میانی

را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبدیل به یک نهاد دولتی دیگری بنماید. چرا که رهبر معظم انقلاب در همین سخنرانی تصریح دارند که این کار به عهده‌ی دولت نیست. پس این نهاد جدید نباید تبدیل به یک نهاد دولتی بشود. لذا حضور نماینده‌ی دولت فقط به منظور ارتباط با بدنه‌ی دولت جهت شناخت وضعیت کنونی نظام در عرصه‌ی مربوطه و استفاده از ظرفیت آن‌ها برای تربیت جوانان جهت حضور در عرصه‌های مدیریتی کشور است. چرا که معظم‌له تأکید می‌کنند. جوانان به‌مثابه‌ی نخبگان فکری می‌توانند مؤثرترین پیشران‌های یک جامعه باشند چون جایگاه و استعدادهای فکری و معنوی و هنری ویژه‌ای دارند و خود نیز طیف گسترده‌ای از جمعیت هستند و از طرفی دیگر در بسط و تولید افکار و ایدئولوژی‌ها با عنایت به این بیان می‌توان حلقه‌های میانی را این گونه تعریف کرد آن مجموعه‌هایی که واجد ذهن فعال و زبان گویا و دارای، تمرکز، پیگیری فعالیت پی‌درپی و لحظه به لحظه برای ایجاد برنامه‌ی عملیاتی و پیدا کردن و ارائه راهکار و همچنین به عنوان هادی و پیشران ملت در حرکت عمومی به سمت تمدن‌سازی اسلامی ایفای نقش می‌کنند حلقه‌های میانی نام دارند این حلقه‌ها در واقع حد واسط بین ملت و حاکمیت هستند (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ۱۴۰۱). استمرار تحول در ساختار دولت ملت در گام دوم انقلاب اسلامی، مبتنی بر تجربیات گام اول آن، از الزامات اساسی مسیر تمدنی انقلاب اسلامیست. این تحول ساختاری از آن جهت که در پاره‌ای از مسائل موانعی جدی بر سر رابطه هم‌افزای دولت و ملت ایجاد شده، محل توجه است (ربیعی و سیاوشی، ۱۴۰۱).

هدف اصلی تحقیق حاضر مدل ساختاری تفسیری مشارکت حلقه‌های میانی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و بر آن است با مطالعه و بررسی اسناد و منابع علمی پژوهشی و همچنین بهره‌گیری از نظرگاه‌های خبرگان تحقیق عوامل و عناصر اثرگذار و فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را مبتنی بر مشارکت حلقه‌های میانی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

به عنوان یک سازمان فرهنگی باز شناسایی کرده و آن را طراحی و تبیین نماییم. از آن جهت که خط‌مشی‌گذاری در سازمان‌های دولتی ایران برای تحقق اهداف بخشی، سازمانی، فرا بخشی و ملی بسیار مهم و تعیین‌کننده است امید است نتایج این پژوهش بتواند گامی مؤثر در جهت رسیدن به اهداف سازمان از جمله سیاست‌گذاری برای رشد و اعتلای فرهنگ و هنر ایران و اسلام به عنوان عناصر هویت ملی و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در زمینه فرهنگ عمومی و اصول سیاست فرهنگی کشور برداشته و مشکلاتی از جمله نبود نظارت کافی بر تولید هنر و سینما، نبود برنامه مشخص وزارت فرهنگ در عرصه کتاب‌خوانی، عدم تکمیل پروژه‌های نیمه‌کاره حوزه فرهنگ و وضعیت کتابداران رفع یا تخفیف نمایند.

لذا سوال اصلی این تحقیق این است که مدل ساختاری تفسیری مشارکت حلقه‌های میانی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چیست؟
پیشینه تحقیق

نوحه گر و همکاران (۱۴۰۳) در تحقیق خود با عنوان بررسی نقش حلقه‌های میانی در فرآیند حکمرانی جامعه محور محیط زیست بیان نمودند که جریان‌های حلقه‌های میانی در این مسیر نقش ترغیب‌کننده، تشویق‌کننده، تسهیل گر و تسریع بخش را دارند که می‌توانند با واسطه‌گری و برقراری ارتباط بین اضلاع دولت و مردم و همچنین آگاهی بخشی به مردم و دخیل کردن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و افزایش ظرفیت‌های مردمی با مشورت دهی این مهم را میسر کنند (نوحه گر و همکاران، ۱۴۰۳).
اخوان نیلچی و همکاران (۱۴۰۳) در تحقیق خود با عنوان بیان نمودند که کارکرد مهم آن، پیوند گذشته با آینده، پیوند وضع موجود با آرمان‌ها و پیوند انقلاب اسلامی با تمدن نوین اسلامی است و اینکه هدایت و برنامه‌ریزی اجتماعی تمامی حرکت‌های عمومی در جامعه را بر مبنای هم‌افزایی و خودسازماندهی راهبری خواهد کرد. (اخوان نیلچی و همکاران، ۱۴۰۳). ربیعی مندجین و همکاران

(۱۴۰۳) در تحقیق خود با عنوان طراحی مدل مشارکت شهروندی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی تمدن‌ساز بیان نمودند که مدل مشارکت شهروندی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی تمدن‌ساز شامل ۶ بعد بستر تمدن‌سازی، بازتولید فرهنگ مشارکت تمدنی، محرک‌های اجتماعی، خط‌مشی‌گذاری اثربخش، پیامدسنجی و غلبه بر موانع می‌باشد. بستر تمدن‌سازی شامل مدیران جهادی تمدن‌ساز، هسته‌های تمدنی، برنامه‌های فرهنگی تمدن‌ساز است. بازتولید فرهنگ مشارکت تمدنی شامل مولفه‌های همگرایی ساختارمند و ظرفیت‌سازی رسانه‌ای می‌باشد. محرک‌های اجتماعی شامل اطمینان بخشی، ارتقاء سطح آموزشی و فرهنگی، و انگیزش بخشی می‌باشد (ربیعی مندجین و همکاران، ۱۴۰۳). اعظمی (۱۴۰۳) در تحقیق خود با عنوان بررسی محتوایی رساله‌های مدیریت و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی بیان نمودند که مقولات اصلی استخراج شده شامل بستر اجرای خط مشی فرهنگی، چالش‌های خط مشی‌گذاری فرهنگی، اصول مفهومی در خط مشی‌گذاری فرهنگی، مؤلفه‌های فرهنگی در خط مشی‌گذاری فرهنگی، الگوهای خط مشی‌گذاری فرهنگی و در نهایت، کاربردهای خط مشی‌گذاری فرهنگی می‌باشند (اعظمی، ۱۴۰۳).
کاظمی (۱۴۰۲) در تحقیق خود با عنوان ارائه الگوی خط مشی‌گذاری در فرهنگ مطلوب بیان نمودند خط مشی‌گذاران با مسئولیتی خطیر روبرو هستند، آنان برای تصمیم‌گیری در چنین فضایی باید مجهز به ابزارها و شیوه‌های جدید باشند. و برای تحقق این هدف باید دانش جدیدی را در خط مشی‌گذاری بنیاد گذارند. (کاظمی، ۱۴۰۲). تقوی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان الگوی مشارکت ذی‌نفعان در شکل‌گیری خط‌مشی‌های گردشگری فرهنگی (مورد مطالعه: شهر تهران) بیان کرد که یافته‌های تحقیق نشان داد ابعاد مشارکت ذی‌نفعان در زمینه خط‌مشی‌گذاری گردشگری فرهنگی شامل مواردی از جمله شناسایی و توسعه بستر مشارکت ذی‌نفعان، ارتباط و حمایت مؤثر، ترغیب، تاکید بر مشارکت حداکثری و ایجاد ساختار مشارکت و توجه به مسئله شناسی از نگاه ذی‌نفعان و همراستایی بین آنان است. مجیدی و سبزی کریم‌آبادی

از الگوهای کاری افرادی است که در مشاغل خلاق مشغول هستند و بر کمک مالی برای صنایع اولیه تأکید می‌کند. این همچنین پیامدهای گسترده‌تری برای تأثیر نامتناسب زنان از بخش‌هایی که دولت فدرال برای حمایت از آن انتخاب می‌کند، دارد. کریستوف (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان از خط-مشی‌گذاری فرهنگی به سیاست فرهنگی؟ مورد حوزه فرهنگی مجارستان انجام داد. نشان داد که خط‌مشی‌های فرهنگی دارای ویژگی‌های زیر هستند (۱) اهمیت فزاینده ایدئولوژی ناسیونالیستی ("جنگ‌های فرهنگی"، ۲) ابزاری سازی فزاینده خط‌مشی‌گذاری فرهنگی و (۳) عدم جدایی واضح بین خط‌مشی‌گذاری فرهنگی و سیاست (ظهور حمایت سیاسی و جایگزینی از نخبگان فرهنگی سابق). این مقاله ابزارها، بازیگران و نهادهایی را که از طریق آن‌ها این مداخلات صورت گرفته و میزان موفقیت آن‌ها را بررسی می‌کند. (کریستوف، ۲۰۲۱)

ریمان باچوس و راداو، (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان پیشبرد نقش فرهنگ در توسعه پایدار: تغییر اجتماعی از طریق خط‌مشی‌گذاری فرهنگی انجام داد. نتایج نشان داد که خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را به عنوان یک بازوی حکمرانی، با ظرفیت هدایت تغییرات اجتماعی در چندین مسیر وابسته به یکدیگر (ارزش مجدد تغییرات تکنولوژیکی، تقویت قدردانی زیبایی‌شناختی و آگاهی اخلاقی محیطی و رفتار طرفدار اجتماعی) در کنار توسعه چارچوب‌های پیچیده‌تر حکمرانی قرار می‌دهد. این مقاله همچنین پیشنهاد می‌کند که از طریق (باز) آموزش، خط‌مشی‌گذاری فرهنگی می‌تواند و باید نقش فعال‌تری در شکل دادن به تغییرات اجتماعی ایفا کند. (ریمان باچوس و راداو، ۲۰۲۰) بیلتن و سولترو (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان خط-مشی‌گذاری فرهنگی به مثابه روایت اسطوره‌ای انجام داد. نتایج نشان داد که، چگونه روایت‌های چندمعنایی و پراکنده، خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را به «حقیقت‌های شخصی شده» می‌شکند و به دیدگاه‌های ضد هژمونیک دیگر گوش می‌دهند (بیلتن و سولترو، ۲۰۲۰). ما با ارائه دستور کار برای تحقیق روایی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به پایان می‌رسیم. بونت (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان چرخش

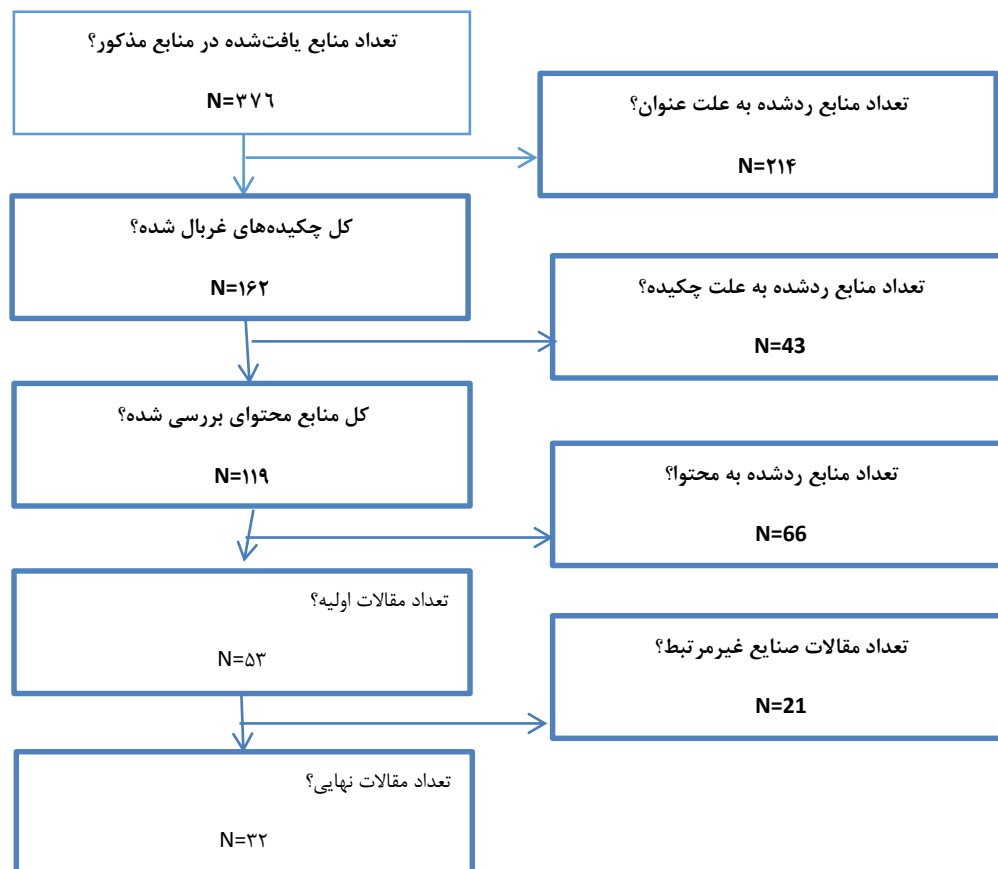
(۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی، با نگاهی به مقوله حزب بیان کرد این الگو که از آن به جریان حلقه‌های میانی تعبیر می‌شود، می‌تواند در یک فرایندی کارشناسی شده، از تمهید زیرساخت‌ها گرفته تا آموزش و کادرسازی در سطوح خرد و میانی و کلان ظرفیت‌های مردمی مخصوصاً نسل جوان را به کار گیرد و حلقه‌ی وصل توده‌های مردم و حاکمیت باشد. مفهوم حلقه‌های میانی در یک سامانه‌ی مفهومی جانمایی می‌شود و لذا باید شبکه مفهومی آن کشف و صورت‌بندی شود. در همین چهارچوب، با رویکردی آسیب شناسانه، مقوله حزب و ظرفیت‌های آن به‌مثابه‌ی یکی از مصادیق حلقه‌های میانی مطرح شده است. جواهری زاده و فتحی (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگ مطلوب سازمانی در سازمان‌های سلامت و درمان انجام داد. بر اساس یافته‌های تحقیق «خدا محوری، عبادت انگاری کار، اصالت انگیزه‌های غیر مادی، کل بودگی انسانی و سلامت محوری» به عنوان انگاره‌های بنیادین در «خدمتگزاری، تکلیف گرایی، بیمار محوری، مسئولیت پذیری، نظم و انضباط، سرعت در ارائه خدمات، معنویت محوری، یادگیرندگی، خلاقیت و نوآوری، ایثار و سعه صدر» به عنوان قواعد و ارزش‌های فرهنگی «تجلی گری» داشته‌اند. سیاه منصوری و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان الگوی طراحی خط‌مشی‌های فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران انجام داد. الگوی به دست آمده از پژوهش، طراحی خط‌مشی‌های فرهنگی را در قالب سه عنصر اصلی زمینه، طراحان و طرح ارائه کرده است. زمینه به عواملی اشاره دارند که محدودیت‌هایی را بر فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی اعمال می‌کنند؛ طراحان، همان بازیگران تدوین خط‌مشی‌های فرهنگی هستند؛ و طرح، ساختار شبکه‌ای جریان خط‌مشی‌گذاری فرهنگی است که عناصر خط‌مشی‌های فرهنگی را در کنار هم و در تعامل با هم نشان می‌دهد. در تحقیقات خارجی، پاسلا و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان آتش، آفت و اقتصاد استخراجی: خط‌مشی‌گذاری فرهنگی پس از خط‌مشی‌گذاری فرهنگی انجام داد. نشان داد که چگونه دولت فدرال فاقد درک لازم

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر ماهیت از نوع تحقیقات آمیخته است. که از روش‌های کمی و کیفی استفاده شده است. طرح تحقیق از دیدگاه کیفی در قالب دو مرحله به انجام رسیده است. در مرحله اول از روش فراترکیب و گروه کانونی به منظور شناسایی ابعاد مولفه و شاخص‌های مدل ساختاری تفسیری مشارکت حلقه‌های میانی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استفاده شده است و در مرحله دوم از روش‌های کمی دلفی برای غربالگری و مدل‌سازی ساختاری - تفسیری برای سطح بندی استفاده شده است. جامعه‌آماری در این تحقیق متشکل از مقالات علمی پژوهشی چاپ شده، در پایگاه‌های معتبر علمی می‌باشد. در بخش فراترکیب از روش سندلوسکی و بارسو نمونه‌ای برابر با ۳۲ مقاله انتخاب شد که نمودار آن به شرح زیر است.

مشارکتی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی: پارادایم‌ها، مدل‌ها، زمینه‌ها انجام داد. نتایج نشان داد که همزیستی چندین پارادایم که نسخه‌های متمایزی از مشارکت را القا می‌کند. با سه تغییر عمده مواجه است که بر رابطه فرهنگ و جامعه تأثیر می‌گذارد بونت (۲۰۲۱). روندهای فناورانه، اجتماعی و سیاسی نقش اصلی رو به رشد مشارکت در جوامع غربی امروزی را توضیح می‌دهند که پیامدهای مهمی در پیکربندی مجدد رفتارهای فرهنگی و استراتژی‌های نهادهای فرهنگی دارد. به‌منظور روشن کردن ابعاد متکثر مشارکت و نتایج و پیامدهای آن برای زندگی فرهنگی، مدلی پیشنهاد می‌کنیم که نقش‌های فعال متمایز شهروندان فعلی را نشان می‌دهد. سپس این امکان را می‌دهد تا استدلال‌ها و پیامدهای سازمانی را برای دستیابی به اهداف سیاسی و همچنین رابطه آن با موقعیت‌های دینفعان و رفتارهای مردم را به‌طور انتقادی بررسی کنیم.

جدول ۱- سندلوسکی و بارسو



این ترتیب مفاهیم تم‌های پژوهش شکل داده می‌شود. مبنای دسته‌بندی این کدها برحسب میزان تشابه کدهای مختلف با یکدیگر است در هر مقوله تعدادی کد به عنوان نمونه آورده شده است. در خاتمه نتایج حاصل از فراترکیب عوامل خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مبتنی بر مشارکت حلقه‌های میانی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) بر مبنای نظریات خبرگان تقسیم‌بندی نموده‌ایم. که به شرح جدول ارائه شده است.

با توجه به فرایند روش فراترکیب شاخص‌های موجود در مدل به شرح زیر می‌باشند. لازم به ذکر است در فرایند فراترکیب ۱۴۹ شاخص شناسایی شد که در طول دور اول و دوم دلفی تعداد ۵ شاخص به دلیل حد نصاب نیاوردن میانگین از دور غربالگری خارج شدند و تعداد ۱۴۴ شاخص مورد تأیید قرار گرفت. این شاخص‌ها عبارتند از:

مدیران جهادی تمدن ساز، هسته‌های تمدنی، برنامه‌های فرهنگی تمدن ساز، اطمینان بخشی، ارتقای سطح، آموزشی و فرهنگی، انگیزش بخشی، برنامه ریزی و خط مشی گذاری غیر متمرکز، طراحی اثر بخش خط مشی، موانع سازمانی عدم مشارکت، موانع ساختاری عدم مشارکت، نتیجه محوری، بهبود مکانیسم‌های اجرایی مشارکت، همگرایی ساختارمند، ظرفیت‌های رسانه‌ای، نیروی انسانی غیر فرهنگی در فرهنگ، نارسایی فضای فرهنگی، علوم زدگی فضای فرهنگی، عدم افراز حوزه‌های فرهنگی، نگاه پارادوکسی به فرهنگ، نگاه سخت به مقوله فرهنگ، نگاه هزینه‌ای به فرهنگ، سایه اقتصاد نفتی بر فرهنگ، ضعف ساختاری خط مشی گذاری، نیروی ساختاری اینرسی، ضعف تکنولوژی، تنظیم نبودن افق زمانی خط مشی گذاری با تقویم سیاسی کشور، فقدان نگاه فرایندی، نظام شناسایی مسئله، تدوین دقیق و علمی خط مشی‌ها، تعامل میان خط مشی گذاری و نظام اجرا، سبک‌های جدید از مدیریت در اجرای خط مشی‌ها، ارزیابی دقیق خط مشی‌ها، داشتن عقلانیت راهبردی، شکستن انسداد در عقلانیت، نظارت عمومی بر حلقه‌های میانی، ظرفیت حلقه‌های میانی، تمرکز بر مأموریت، فهم سازمان، رسانه گرایی،

بر اساس مقیاس ۵۰ امتیازی CASP روبریک، محقق، سیستم امتیازبندی زیر را مطرح می‌کند و هر مقاله‌ای را که پایین‌تر از امتیاز خوب (پایین‌تر از ۳۰) است را حذف می‌کند: عالی: ۴۱ - ۵۰ (E)، خیلی خوب: ۴۰ - ۳۱ (VG)، خوب: ۳۰ - ۲۱ (G)، متوسط: ۲۰ - ۱۱ (F)، ضعیف: ۱۰ - ۰ (P) پس از انجام امتیازبندی در پژوهش حاضر، برای هر مقاله بر اساس ۱۰ معیار ذکر شده امتیازی در نظر گرفته شده است. در این مرحله، بر اساس امتیازات داده شده به هر مقاله، حداقل میانگین امتیاز داده شده به مقالات ۳۰ و حداکثر امتیاز داده شده ۴۵ بوده است. که برای برای تجزیه و تحلیل اطلاعات باقی مانده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای مدل ساختاری تفسیری مشارکت حلقه‌های میانی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از گروه کانونی خبرگان استفاده به عمل آمد از میان جامعه خبرگان تعداد ۱۸ نفر با استفاده از روش هدفمند انتخاب شدند. شیوه گردآوری داده‌ها علاوه بر روشهای میدانی از روشهای کتابخانه‌ای نیز استفاده شده است. اطلاعات جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌ها در نرم افزار spss و MicMac وارد شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در تجزیه و تحلیل داده‌ها هر مرحله این پژوهش فرآیند مخصوص به خود را دارا است و در باب تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز چنین است: در مرحله اول کیفی با استفاده از روش فراترکیب عوامل طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مبتنی بر مشارکت حلقه‌های میانی به دست آمد که از آنها کدها، مفاهیم و مقوله‌ها را مشخص کردیم. در بخش دوم کیفی نیز با استفاده از روش دلفی، مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده تثبیت شدند. در پژوهش حاضر، ابتدا تمام عوامل استخراج شده و از مطالعات را به عنوان کد در نظر گرفته می‌شود سپس با در نظر گرفتن مفهوم هریک از کدها، آن‌ها در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی می‌شود به

الگوی تشکیلات، انطباط بخشی، طراحی مدل علمی، مسئله محوری

گستره فعالیت، وضعیت معیشتی متولیان، تمرکزپیگیری، ارایه راهکارها، پیدا کردن راهکارها، برنامه ریزی ایجاد برنامه کار، برقراری ارتباط بین اطلاعات دولت و مردم، به میدان آوردن مردم جهت مشارکت، آگاهی بخشی به مردم و دخیل کردن مردم در تصمیم‌گیری، بصیرت‌افزایی، رشد اجتماعی هویت بخشی و تعمیق اصول و معارف دینی، کارآمدی، نوگرایی، اقتضا نگر، عقلانیت علمی، اقناع پذیری، حمایت قانونی، متناسب سازی زمانی و مکانی، ساختار بندی، بستر سازی نرم و سخت، موفقیت در خط مشی، نظارت چند سطحی، نظارت مستمر، نظارت هوشمند، آرمان‌گرا، نخبه‌گرا و جوان‌محور، تبیین‌گر و مسئولیت‌پذیر، شناسایی مخاطب و مسایل، متشکل و تشکیلات ساز، مردم‌مدار، ارتباط با مردم، ارتباط با حاکمیت، بهره‌گیری از ظرفیت حاکمیت جهت حل مسایل، شناسایی و حل مشکلات اساسی، فهم حرف حاکمیت، انتقاد و مطالبه از حاکمیت، کنشگری در سطح نظریه پردازی و اندیشه‌ورزی، کنشگری سیاسی، هدایت و برنامه ریزی اجتماعی

ایدئولوژیک، رویکردی، اعتقادی، ادراکی، مهارتی، نیروی انسانی، تفرقه خود حق‌پنداری، کمرنگ شدن شایسته‌سالاری، ولایت‌حزبی، سیستم‌های اطلاعاتی، تکنولوژی، مدیریت دانش، هویت ارزش‌ها و ایدئولوژی، اداب و رسوم، قومیت، میزان تمایل به پذیرش خط‌مشی‌های فرهنگی، قابلیت نیروی انسانی به پذیرش خط‌مشی‌های فرهنگی، سرآمدی خط‌مشی فرهنگی، پویایی مدیران، تکامل و تعادل سازمانی، سیاست‌آموزش و پرورش، سیاست‌های توسعه‌ای، سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نگاه سرمایه‌ای به منابع انسانی، ارزش‌افزایی، شایستگی نیروی انسانی، فعالان، ذینفعان، احزاب سیاسی، نخبگان علمی

افراد صاحب جایگاه در دستگاه‌های دولتی، افراد صاحب جایگاه مذهبی، امکان‌پذیری در بعد قانونی، امکان‌پذیری

در بعد فرهنگی، امکان‌پذیری در بعد سیاسی، امکان‌پذیری در بعد اقتصادی، هوشمندی خط‌مشی‌ها تطبیق‌پذیری، ثبات‌مدیریتی، تمرکز بر تکامل شخصیتی و تعادل روحی و معنوی افراد، توجه به خلاقیت و نوآوری فرهنگی، توسعه انسجام و توازن فرهنگی، پذیرش تنوع فرهنگی، استقرار نظام حرفه‌ای و الزامات خط‌مشی، ایجاد سیستم یکپارچه خط‌مشی‌گذاری، ابزارهای نظام برنامه ریزی، ایجاد شبکه، تبادل و انتقال فرهنگ در نظام فرهنگی، زایش و تولید علم، عدم تأخر و گسست فرهنگی، پیوند میان اجزای خط‌مشی فرهنگی، کارآمدی نظام فرهنگی، عدم سیاست‌زدگی در عرصه فرهنگ، بستر مناسب برای پویایی فرهنگی، استراتژی مناسب فرهنگی، درک صحیح از تحولات محیطی،

پس از شناسایی شاخص‌های اولیه در روش فراترکیب به منظور اعتبارسنجی کیفی و تثبیت آنان مؤلفه‌های شناسایی شده، ۱۸ نفر از خبرگان به عنوان اعضای پانل در روش دلفی برای ارزیابی روایی مؤلفه‌ها برگزیده شدند. روش دلفی در ۲ دور اجرایی شد که در ادامه یافته‌های هریک از دورها به تفکیک ارائه می‌گردد. در پرسشنامه دور اول به تعداد ۱۸ پرسشنامه به صورت حضوری بین اعضای پانل دلفی توزیع گردید و پس از و در همان جلسه، اقدام به جمع‌آوری پرسشنامه‌های توزیع شده، گردید که تمامی پرسشنامه‌ها به صورت تکمیل شده در اختیار پژوهشگر قرارگرفت. در بخش اول پرسشنامه ۱۴۹ مؤلفه معرفی گردید و پاسخ‌دهندگان می‌بایست نظر خود را درباره میزان تأثیر هریک از مؤلفه‌های پیشنهادی اعلام نماید. برای بیان توافق بین پانل دلفی از ضریب توافق کندال استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول زیر نشان داده شده است. این مقدار برابر ۰/۲۸۴ است یعنی تقریباً سی درصد اعضای خبرگان با هم توافق دارند. از این رو اجماع کامل انجام نگرفته است. و اشباع نظری به وجود نیامده است. نتایج دور های تول و دوم دلفی به شرح زیر می باشد.

جدول ۲ - نتایج ضریب توافق کندال دور اول دلفی (یافته‌های تحقیق)

دور اول	آمار
تعداد	۱۸
ضریب توافق کندال	۰/۲۸۴
<i>sig</i>	۰/۰۰۵
نتیجه اجماع خبرگان	اشباع نظری به وجود نیامد.
دور دوم	آمار
تعداد	۱۸
ضریب توافق کندال	۰/۷۲۴
<i>Sig</i>	۰/۰۰۱
نتیجه	اشباع نظری

جدول ۳ - مولفه‌های حذف شده در دور اول روش دلفی (یافته‌های تحقیق)

مولفه حذف شده	شاخص حذف شده	علت حذف
عوامل غیر انسانی	ساختارمند	اخذ میانگین کمتر از ۴ در دور اول دلفی
	فرایندی	میانگین کمتر از ۴ در دور اول دلفی
	فنی	میانگین کمتر از ۴ در دور اول دلفی
	محیطی	میانگین کمتر از ۴ در دور اول دلفی
	نهادی	میانگین کمتر از ۴ در دور اول دلفی

مدل ساختاری تفسیری مشارکت حلقه‌های میانی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی | ۱۰

بر مشارکت حلقه‌های میانی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اجرای دو دورروش دلفی و همچنین پالایش نظریات نظرات خبرگان و با تأیید نتایج حاصل از آزمون مدل ابعاد تشکیل‌دهنده مدل به شرح زیر هستند:

روش مدلسازی ساختاری تفسیری^۱ یک روشی ساختاری تفسیری است که در این روش، با تجزیه معیارها در چند سطح مختلف، به تحلیل ارتباط بین این معیارها و شاخص‌ها پرداخته می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده مقالات مربوط به حوزه‌های مدل خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مبتنی

جدول ۴- ابعاد تشکیل‌دهنده مدل ساختاری تفسیری مشارکت حلقه‌های میانی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نمادهای آن

نماد	ابعاد
F1	محرك های خط مشی گذاری فرهنگی
F2	جامعه پذیری حلقه های میانی
F3	هویت خط مشی های فرهنگی
F4	مشارکت پذیری حلقه های میانی
F5	بستر های خط مشی های فرهنگی
F6	سیاستگذاری اثر بخش دولتی در خط مشی های فرهنگی

جدول ۵ - سطح‌بندی عناصر سازنده (یافته‌های تحقیق)

متغیرها	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
F1	F1, F3,	F1, F3, F5,	F1, F3	سطح دوم
F2	F2, F4	F2, F5,	F2	سطح دوم
F3	F1, F3	F1, F3, F5	F1, F3	سطح دوم
F4	F4	F2, F4, F5	F4	سطح اول
F5	F1, F2, F3, F4, F5, F6	F5	F5	سطح چهارم
F6	F6	F5, F6	F6	سطح سوم

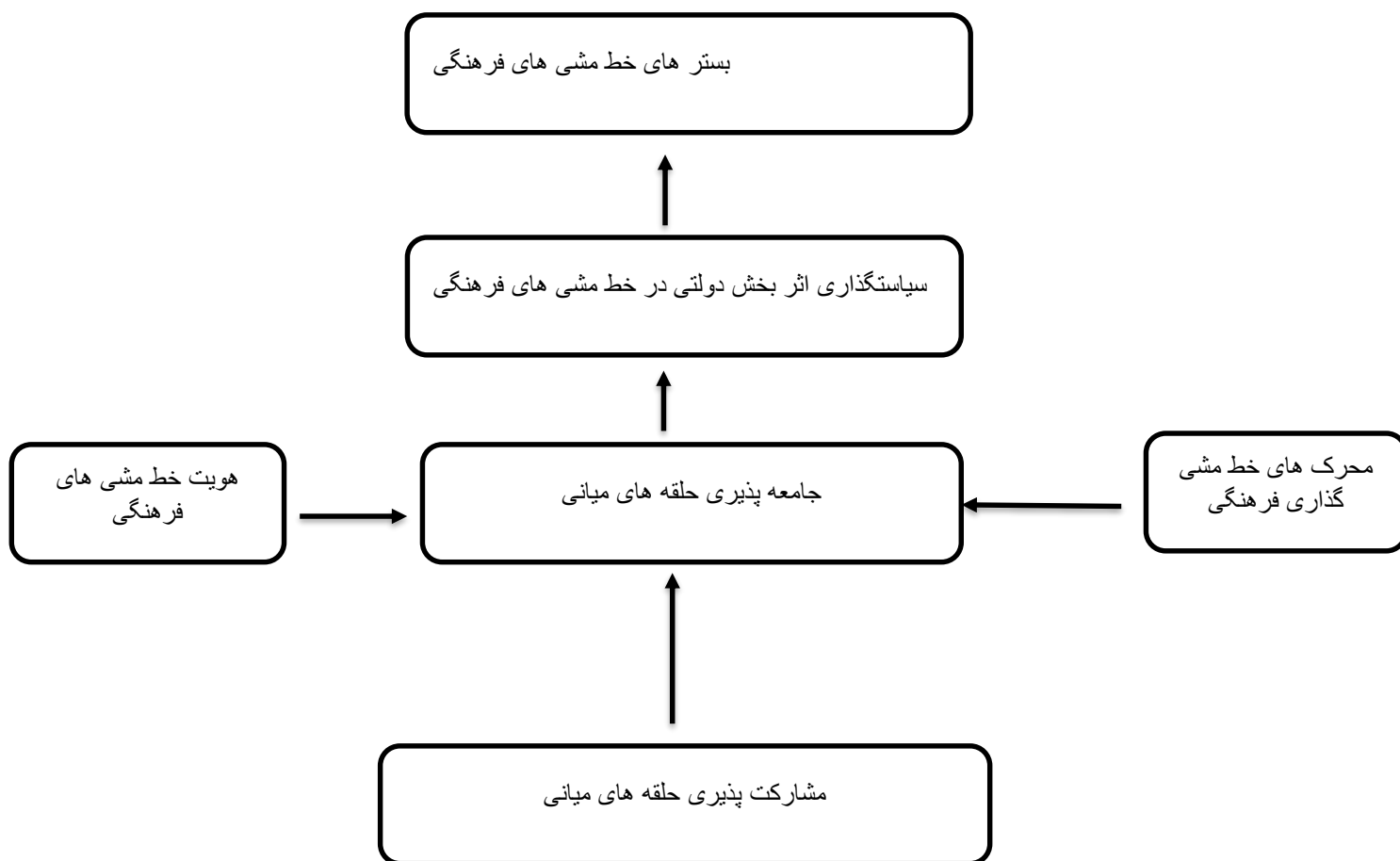
^۱ - Interpretive Structural Modelling

توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های تحقیق،
مدل پژوهش به صورت شکل زیر ترسیم می‌شود.

همانطور که در جداول فوق مشاهده می‌شود، برای متغیر
تحقیق عناصر سازنده در ۶ سطح قرار گرفته‌اند. اکنون با

شکل ۱ مدل ISM برای ابعاد مدل ساختاری - تفسیری تحقیق (یافته‌های تحقیق)

فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت



بحث و نتیجه گیری

تصمیم‌گیری در سطح کلان برای حل مسائل و مشکلات کلان توسط دولت‌ها برای رسیدن به مصالح و منافع عامه مردم را خط‌مشی‌گذاری می‌گویند. که فرآیند آن به طور کلی بعد از احساس مشکل و ادراک مشکل شامل تدوین خط‌مشی، اجرای خط‌مشی و ارزیابی خط‌مشی می‌شود. باید توجه داشت که علم خط‌مشی‌گذاری عمر چندانی نداشته، اما به دلیل تأثیرات عمیق آن در یرطرف کردن مشکلات و مسائل عامه جامعه در زمینه‌های مختلف از جمله خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی و خط‌مشی‌گذاری اقتصادی و غیره، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده و مورد توجه و اقبال ویژه‌ای قرار گرفته است. یکی از حوزه‌های خط‌مشی‌گذاری، فرهنگ است. اما به دلیل پیچیدگی موضوع فرهنگ و وسعت قلمرو تحقیقات در زمینه شناخت‌شناسی فرهنگ و از همه مهم‌تر عدم وجود ساختار، فرآیند خط‌مشی‌گذاری که خود امری نیازمند دقت و تمرکز است، در این زمینه بسیار پیچیده می‌شود؛ بنابراین خط‌مشی‌گذاری فرهنگی نسبت به سایر زمینه‌ها حائز اهمیت و دقت فراوانی از سوی خط‌مشی‌گذاران می‌باشد. فرهنگ رکن اساسی یک جامعه است و حاکمیت نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. چگونگی مداخله دولت‌ها در فرهنگ، عرصه‌ای است که در سیاست‌گذاری فرهنگی به آن پرداخته می‌شود. در واقع سیاست‌گذاری فرهنگی را اعمال قدرت حاکمیت در عرصه فرهنگ تعریف می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران به واسطه هویت فرهنگی توجه ویژه به این حوزه سیاست‌گذاری داشته و به شکل‌های مختلف سعی در بهینه‌سازی و رشد در این عرصه را دارد. مفهوم سیاست فرهنگی و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی از جمله مفاهیم تازه‌ای است که از حدود چهار دهه قبل در کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است. خط‌مشی‌گذاری مدیریت فرهنگی یکی از اقداماتی است که در بسیاری از کشورهای درحال توسعه از جمله ایران جایش خالی است، ولی وجود این نوع سیاست‌گذاری موجب می‌گردد تا به بخش قابل ملاحظه‌ای از نیازهای

بخش فرهنگ عمومی پاسخ داده شود. لازم است تا به یافتن راه حل‌های خاص در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی توجه شود تا اطمینان حاصل گردد این امر از طریق مدیریت امور فرهنگی قابل دستیابی است. فقدان برنامه ریزی فرهنگی جامع و مدیریت فرهنگی کارساز، دو مقوله‌ای است که می‌توان در جهت نهادینه شدن ارزش‌ها و باورها ع بهبود و تغییر در الگوهای جامعه نقش اساسی و سازنده داشته باشند. به علاوه، تدوین برنامه‌های فرهنگی هنگامی با موفقیت توأم هستند که بر تفکر مدیریت مبتنی بر ارزش‌ها استوار باشند. هدف کلی سیاست فرهنگی، ارتقای جامعه ایرانی به مقامی است که افراد آن با شناخت تمدن و فرهنگ پر ارج ایران در حفظ و گسترش آن بکوشند و با آگاهی از فرهنگ کشورهای دیگر جهان، خانواده بزرگ ایرانی را در مسیر به سوی زندگی بهتر و کمال معنوی یاری دهند.

حلقه میانی گروهی از افراد با هویت جمعی مستقل بدون وابستگی مالی به حاکمیت است که با بسترسازی ایفای نقش فعالانه مردم و به کارگیری ظرفیت بازیگران عرصه حاکمیت، به حل مسائل عرصه‌های تخصصی چهارگانه می‌پردازد. این امر با فعالیت‌های روشمند مبتنی بر برنامه بلندمدت و مستمر، در چارچوب اصول پیشرفت انقلاب اسلامی مبتنی بر نگاه امامین انقلاب صورت می‌گیرد. انتظارات از حلقه میانی از دو محور بررسی اسناد بالادستی و بررسی عرصه‌های کنش و درنهایت از تجمیع دو محور ذکرشده، به دست می‌آید. این انتظارات در ۳۰ مورد احصا شده‌اند که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

برنامه ریزی در جهت حفظ و ارتقاء انگیزه‌های اعضا حلقه میانی: برای اینکه بتوان هویت جمعی و یکپارچه‌ای را برای گروه به وجود آورد، گروه و رهبر گروه و یا برخی از افرادی که در گروه نقش اساسی تری دارند، باید در راستای تقویت انگیزه‌های غیرمادی و ایجاد حس رضایت درون افراد گروه، برنامه خاصی را تدوین و آن را پیگیری نمایند؛

تلاش برای ایجاد هدف و جهت مشترک حرکت: همه اعضای گروه باید در انتخاب هدف سهیم باشند و یا نسبت

به آن توجه شده باشند و سپس با پشتیبانی از یکدیگر، موانع را کنار زده و باهم به سمت هدف انتخاب شده حرکت کنند؛ چراکه در غیر این صورت ممکن است تعارضات و اختلاف منافع و یا اختلاف سلیقه‌ها منجر به از هم پاشیدگی هسته شود؛

تلاش در جهت ایجاد، حفظ و ارتقا وحدت، هویت جمعی و تشکیلاتی: عنصر اساسی و مهمی که هویت جمعی و تشکیلاتی حلقه میانی را حفظ می‌کند، توجه به تعهد تشکیلاتی افراد نسبت به حلقه میانی و تعلق به حلقه میانی است؛ یعنی رهبر گروه و اعضای موثر گروه باید به نحوی فضای گروه را مدیریت نمایند که تمامی افراد احساس تعلق خاطر به تشکیلات داشته و روز به روز تقویت این حس تعلق خاطر تقویت شود. برای این کار لازم است که عناصر هویت ساز که منجر به ایجاد تعلق خاطر می‌شود را در وهله اول پیدا کرد و بر روی آنان تمرکز نمود؛

تلاش در جهت ارتقا معنویت و روحیه جهادی در اعضا: در ابتدا افراد گروه به دلایل مختلف که مهم‌ترین آن انجام یک حرکت جهادی در بستر معنویت و اخلاق است کنار هم جمع می‌شوند. لذا لازم است که این عنصر مهم یعنی تقویت روحیه جهادی و تقویت و ارتقاء جنبه‌های معنوی افراد به طور مداوم مدنظر قرار گیرد؛ چراکه یکی از اجزای اصلی موتور محرکه حلقه میانی، تقویت و ارتقاء جنبه‌های معنوی افراد و تقویت روحیه جهادی و انگیزه‌های غیرمادی آنان است؛

شناسایی مردم درگیر در مسئله و ذینفع در آن: حلقه میانی زمانی که مسائل را تشخیص داد باید گروه‌هایی از مردم که از حل مسئله منتفع می‌شوند و یا در حال دست و پنجه نرم کردن با مسئله هستند را شناسایی کند و زمینه را برای حضور آنان در بطن کار فراهم نماید. حلقه میانی نباید کاری را بدون مردم جلو ببرد؛ به عبارت دیگر باید مردم نوک پیکان حل مسئله باشند و کار را از خود بدانند.

حلقه‌های میانی در این راستا دارای نقشهایی باید باشند که عبارتند از: کاشف: در این محور نقش اصلی که حلقه

میانی می‌بایست ایفا نماید، کاشف بودن است؛ یعنی برای تحقق انتظارات مربوطه می‌بایست به دنبال شناسایی یک سری از موارد باشد. این موارد همان نقش‌های تبعی هستند که مسئله شناس، ظرفیت شناس و مانع شناس ازجمله آن‌ها هستند؛ طراح: حلقه میانی برای اینکه در این محور موفق شود لازم است به ۳ نقش تبعی «تحلیل‌گر»، «برنامه‌ریز» و «مدل‌ساز» توجه نماید؛ یعنی باید پس از شناسایی مسائل ابتدا تحلیل‌گر دقیقی باشد و سپس بر اساس تجزیه و تحلیل انجام شده به سراغ برنامه‌ریزی برود و برنامه دقیقی تدوین نماید و درنهایت بتواند یک نقشه پیشرفت دقیق را ترسیم نماید که همان مدل سازی تمامی موارد احصاء شده جهت حل مسائل در قالب یک نقشه است؛ آماده ساز: شاید بتوان گفت نقش محوری آماده ساز، اصلی‌ترین نقش حلقه میانی است. نقشی که اگر به درستی ایفا شود هم کارها و برنامه‌ها و نقشه پیشرفت درست پیش می‌رود و هم عدم تصدی‌گری در میدان توسط حلقه میانی رخ خواهد داد و هم نقش آفرینی مردم و گروه‌های مردمی و هسته‌های عمومی و هسته‌های تخصصی و حتی هسته‌های پیشرفت بیشتر و پررنگ‌تر خواهد شد. برای صورت‌گیری درست این محور باید نقش‌های تبعی همچون «تصمیم‌سازی»، «مطالبه‌گری» و «گفتمان‌سازی» به درستی انجام گیرند؛ پیاده ساز: نقش چهارم شامل سه نقش تبعی «هم‌افزا»، «راهنما» و «تمام‌کننده» است؛ یعنی حلقه میانی با ایفای این نقش بیشتر به دنبال این است که در راستای عدم تصدی‌گری در اجرای برنامه‌ها، در کنار کار بایستد و از طریق «هم‌افزایی» بین هسته‌های پیشرفت و تخصصی و همچنین «راهنمایی» مردم در اجرای نقشه پیشرفت وظیفه‌ای که به دوش دارند و همچنین نقش تبعی «تمام‌کننده» به عنوان آخرین نقش تبعی در این محور را ایفا نماید؛

تشکیلات ساز: در این بعد حلقه میانی برخلاف چهار نقش محوری قبلی که به بعد بیرونی و محیط بیرونی خود توجه کرده است، می‌بایست به درون گروه توجه نماید؛ یعنی نسبت به ارتقاء اعضا گروه و ماهیت اجتماعی گروه توجه نماید. نقش محوری تشکیلات ساز دارای ۷ نقش تبعی است که برخی از آن‌ها عبارتند از: «آینده نگار»، به معنای ترسیم جایگاه خود در آینده می‌باشد و معلوم باشد که قرار است به کجا برسد؛ «مربی»، به این معنی که روح حاکم بر گروه باید به نحوی باشد که افراد با حضور در آن احساس رشد و تعالی کنند؛ و «انسجام آفرین»، به این معنا که باید مکانیسم‌هایی در گروه فعال باشد تا از طریق این مکانیسم‌ها و هدایت رهبر گروه، وحدت و جهت مشترک و هویت جمعی و تشکیلاتی شکل بگیرد. نتیجه تحقیق با نتایج تحقیق که در فصل دوم به آنها اشاره شد از جمله نتایج تحقیقات ربیعی مندحین و همکاران (۱۴۰۳)، نوجه‌گر و همکاران (۱۴۰۳)، اخوان نیلچی و همکاران (۱۴۰۳)، اعظمی (۱۴۰۳)، کاظمی (۱۴۰۲)، یاسی و روشن (۱۴۰۲)، ربیعی و سیاوشی (۱۴۰۱)، محقق و خسروپناه (۱۴۰۲) تقوی و همکاران (۱۴۰۲)، مجیدی و سبزی کریم آبادی (۱۴۰۱)، سپاه منصوری و همکاران (۱۴۰۱)، امیر محمدی و همکاران (۱۴۰۱) پاسلا و همکاران (۲۰۲۱)، کریستوف (۲۰۲۱)، ریمان پاجوس و همکاران (۲۰۲۱)، بیلتون (۲۰۲۰)، لیزا مارکس (۲۰۱۹)، بونت (۲۰۱۸) و گردواج (۲۰۱۷) همراستا بوده و همسو می‌باشد.

منابع فارسی:

- اخوان نیلچی، نفیسه؛ نادری، مهدی؛ عیوضی، محمد رحیم؛ (۱۴۰۳) طراحی چهارچوب مفهومی جریان حلقه‌های میانی مردم‌پایه بر مبنای دیدگاه مقام معظم رهبری مجله: دانش سیاسی «بهار و تابستان ۱۴۰۳ - شماره ۳۹ صص: ۱- ۲۶
- اعظمی، امیر؛ (۱۴۰۳) بررسی محتوایی رساله‌های مدیریت و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مجله: مدیریت در دانشگاه اسلامی «بهار و تابستان ۱۴۰۳، سال سیزدهم - شماره ۱ رتبه: صص: ۲۳- ۴۷
- الوانی، مهدی، خنیفر، حسین، میرزایی، حاجی ملا. (۱۳۹۳). فرهنگ و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. تحقیقات مدیریت آموزشی، ۵(۱۹)، ۷۰-۱۳.
- امیرمحمدی، ایرج، منطری توکلی، علیرضا، سلاجقه، سنجر و فاتحی راد، نوید. (۱۴۰۱). طراحی مدل اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی در رابطه با فرهنگ سازمانی و نقش میانجی معنویت در محیط کار (مطالعه موردی: بسیج دانشجویی و اساتید). فصلنامه تحقیقات و نظریه‌های نوین مدیریت دولتی، ۱(۲)، ۱۰۱-۸۳.
- انصاری، محمدرضا، قیومی، عباسعلی، صالحی امیری، سیدرضا، عزیزآبادی فراهانی، فاطمه و قدمی، محسن. (۱۴۰۰). ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی با رویکرد تحول (مورد مطالعه دانشگاه آزاد اسلامی
- تقوی، سید مصطفی و دانش فرد، کرم اله و میرسپاسی، ناصر (۱۴۰۲). الگوی مشارکت ذی نفعان در شکل‌گیری خط‌مشی‌های گردشگری فرهنگی (مورد مطالعه: شهر تهران). مجله خط مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، دوره: ۱۴، شماره: ۴۹
- جواهری زاده، ابراهیم و فتحی، محمد رضا. (۱۴۰۱). ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگ مطلوب سازمانی در سازمان‌های سلامت و درمان. خط مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۱۳(۴۸)، ۶۸-۵۱.
- حسینی گل افشانی، سیداحمد، شریف زاده، فتاح، صالح صدقیانی، جمشید و وکیل پور، مهدی. (۱۳۹۸). طراحی مدل تحول نظام اداری ایران از منظر خط‌مشی‌های فرهنگی. راهبرد، ۲۸(۹۱)، ۱۶۶-۱۴۱. SID. <https://sid.ir/paper/392496/fa>
- خامنه‌ای، سید علی (رهبر جمهوری اسلامی ایران) (۱۳۹۸)، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42633>
- ربیعی مندجین، محمدرضا، حسینی، غفار؛ گیوریان، حسن؛ ودادی، احمد؛ (۱۴۰۳) سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی تمدن‌ساز مبتنی بر مدل مشارکت شهروندی در سازمان تبلیغات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مجله: تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران «زمستان ۱۴۰۳ - شماره ۹ صص: ۱۵۵-۱۷۸
- ربیعی، سینا مهدی سیاوشی (۱۴۰۱) صورت‌بندی مفهومی حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران
- ربیعی، سینا، سیاوشی، مهدی (۱۴۰۱). صورت‌بندی مفهومی حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران. مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سال هشتم زمستان ۱۴۰۱ شماره ۴.
- سیاه‌منصوری، سیدعلی و مختاریان پور، مجید و اشتریان، کیومرث (۱۴۰۱). الگوی طراحی خط‌مشی‌های فرهنگی در جمهوری اسلامی

- محقق، محمد مهدی؛ خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۲) خط‌مشی‌گذاری فرهنگی برخورد نظام با سکولاریسم نقاب‌دار مجله: اسلام و علوم اجتماعی «بهار و تابستان ۱۴۰۲ - شماره ۲۹ صص: ۲۸-۵۱
- محمدزاده بنی طرفی، مهدی. (۱۴۰۱). جهاد تبیین و نقش حلقه‌های میانی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳(۴)، ۱۱۷-۱۳۵.
- مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سال هشتم زمستان ۱۴۰۱ شماره ۴ صص ۱۷۸-۱۳۳
- نجف بیگی، رضا. (۱۳۸۹). خط‌مشی‌گذاری مدیریت فرهنگی در آموزش. برگ فرهنگ، جدید (۲۲)، ۱۱۷-۱۰۶. SID. <https://sid.ir/paper/94162/fa>
- یاسی، رحمان؛ نیک‌روش، محمدجواد؛ (۱۴۰۲) طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی باورمند نمودن جامعه نسبت به مفاهیم والای ارزشی (بررسی واژه وحی در قرآن کریم) مجله: مدیریت اسلامی «زمستان ۱۴۰۲ - شماره ۱۲۵ صص: ۴۱ تا ۷۸
- Bennett T (2006). Intellectuals, Culture, Policy: The Technical, the Practical, and the Critical, *Cultural Analysis*, 5.
- Bilton, C., & Soltero, G. (2020). Cultural policy as mythical narrative. *International Journal of Cultural Policy*, 26(5), 681-696.
- Borén, T., Grzyś, P., & Young, C. (2021). Policy-making as an emotionally-charged arena: the emotional geographies of urban cultural policy-making. *International Journal of Cultural Policy*, 27(4), 449-462.
- Kristóf, L. (2021). From cultural policy towards cultural politics? The case of the Hungarian cultural sphere. *International Journal of Cultural Policy*, 27(2), 191-201.
- ایران، سومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری، چاپ‌بهار، <https://civilica.com/doc/1564653>
- صادقی حامد. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر فرهنگ بر خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۶(۲۰)، صص ۲۱۰۲-۲۱۱۲.
- قربانی زاده، وجه اله، شریف زاده، فتاح، حسین پور، داوود و مروج، محمود. (۱۳۹۶). ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری سازمان‌های فرهنگی (مورد مطالعه: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان). سیاست‌گذاری عمومی، ۳(۳)، ۷۸-۶۱. SID. <https://sid.ir/paper/257412/fa>
- قلی‌پور، رحمت‌الله حسن دانایی فرد علینقی امیری محمد رضا عطاردی (۱۳۹۲) مفهوم پردازی پدیده شکاف خط‌مشی در فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی: مجلس و راهبرد سال بیست و دوم شماره ۸۱ صص ۱۲۵-
- کاظمی، نیلوفر، (۱۴۰۲) ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری در فرهنگ مطلوب، یازدهمین کنفرانس ملی ایده‌های نوین در علوم انسانی و مهندسی، رشت، صص ۱۴-۲۵
- گرجی‌پور، حسین، خاشعی، وحید، اسلامبولچی، علیرضا و اصغری صارم، علی. (۱۳۹۸). الگوی ارزشیابی فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی با رویکرد مطالعه کیفی اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مدیریت دولتی، ۱۱(۱)، ۷۲-۴۷.
- مجیدی، محمد رضا و سبزی کریم آبادی، یونس. (۱۴۰۱). جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی، با نگاهی به مقوله تحزب. فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۵(۱)، ۵۲-۲۹.

through cultural policy. *International Journal of Cultural Policy*, 26(5), 649-667.

- Pacella, J., Luckman, S., & O'Connor, J. (2021). Fire, pestilence and the extractive economy: Cultural policy after cultural policy. *Cultural trends*, 30(1), 40-51.
- Rayman-Bacchus, L., & Radavoi, C. N. (2020). Advancing culture's role in sustainable development: social change

Interpretive Structural Model of the Participation of Middle Circles in the Cultural Policy-Making of the Ministry of Culture and Islamic Guidance

Seyed Hashem Shakarkhodaei¹, Vahid Chenari^{*2}, Ezatollah Kiani³, Ahmad Ali Hesabi⁴

Abstract:

Background and Objective: The present study is an interpretive structural model of the participation of middle circles in the cultural policy-making of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Methodology: This research is a mixed one that uses qualitative and quantitative methods. Using the meta-synthesis method, 32 articles were selected from 376 articles using the Sandowowski and Barroso method. Also, 20 people were selected from among university professors and officials and deputies of Culture and Islamic Guidance in Khuzestan Province, who formed the focus group of the research, and 8 people were selected as a sample using a purposeful and accessible method. In the quantitative part, the statistical population consists of 36 experts, of whom 18 people were selected as a statistical sample using a purposeful method.

Findings: The results showed that the dimensions of the model include 6 dimensions that have been obtained using 4-level interpretive structural modeling and the main structure of the model has been designed using the MiQMaQ software.

Keywords: Cultural Policymaking, Middle-level Participation, Ministry of Culture and Islamic Guidance

¹. Department of Public Administration, Sho.C., Islamic Azad University, Shoushtar, Iran.

^{*2} Department of Public Administration, Sho.C., Islamic Azad University, Shoushtar, Iran.

vahid.chenari@iau.ac.ir (Corresponding Author)

³. Department of Public Administration, Sho.C., Islamic Azad University, Shoushtar, Iran.

⁴. Department of Sociology, Sho.C., Islamic Azad University, Shoushtar, Iran.